

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۳۸۹

ص ص ۵۲ - ۳۷

عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های

مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشکین‌شهر در سال ۱۳۹۱

دکتر داود ابراهیم‌پور^۱

دکتر فیروز راد^۲

فریدون تقی‌پور^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۲

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشکین‌شهر در سال ۱۳۹۱ پرداخته شده است. در این پژوهش از ۹۰۰ نفر جامعه آماری ۲۸۰ نفر به عنوان نمونه با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده و از روش تحقیق پیمایشی و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. در چارچوب نظری پژوهش از نظریه‌های کارکردگرایی، همسان‌همسری، ناهمسان همسری، نظریه شبکه و نظریه مبادله استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش بین ناکامی زوج‌ها از زندگی مشترک، دخالت دیگران در زندگی زوج‌ها، اختلاف طبقاتی زوج‌ها، اختلاف عقاید زوج‌ها، اختلاف در میزان دینداری زوج‌ها، اختلاف سنی زوج‌ها با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد. میزان ناسازگاری زناشویی برحسب میزان درآمد خانواده و سطح تحصیلات و نوع شغل زوج‌ها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های دارای اعتیاد بیش از زوج‌های غیرمعتاد می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس یکطرفه و t-test استفاده شده است.

واژگان کلیدی: اختلاف طبقاتی، اختلاف عقاید، ناسازگاری زناشویی، ناکامی زوج‌ها در زندگی مشترک.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز؛ گروه علوم اجتماعی، تبریز- ایران.

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور- صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵ تهران- ایران.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز- ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که اساس و پایه حیات اجتماعی محسوب می‌شود و در تعادل روانی، عاطفی و اجتماعی افراد موثر است و کانون علاقه و محبت و همدلی است. در بین نهادها، سازمان‌ها و تاسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزایی دارد. در این باب آن ژیرار می‌گوید: «در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی حیاتی انسانی، ازدواج از اهمیتی اساسی برخوردار است، هم از نظرگاه فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی، هیچ نهادی نیست که همانند آن، جهانی و از نظر غایت ثابت و پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی همانند آن تحت تاثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد» (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۱).

آنچه در ازدواج مهم است سازگاری زناشویی و رضایت از ازدواج می‌باشد بنا به تعریفی که ویلیام لو از سازگاری در پیوند زناشویی می‌دهد، لازمه این پیوند وجود دو انسان علاقمند برای مشارکت در تمامی عرصه‌های زندگی و برآوردن انتظاراتی است که هریک از آن دو پس از ازدواج از یکدیگر دارند. از آنجا که روابط خانوادگی و خویشاوندی جزئی از وجود هر فرد را تشکیل می‌دهند، زندگی خانوادگی عملاً کلیه انواع تجربه عاطفی را در بر می‌گیرد. اما این روابط ممکن است به همان اندازه مملو از تنش‌هایی باشد که افراد را دستخوش ناامیدی می‌سازند و یا آن‌ها را سرشار از احساس عمیق اضطراب و گناه می‌کنند. رویه تاریک زندگی خانوادگی بسیار گسترده است و با تصویرهای خوش‌بینانه حاکی از هماهنگی که بی‌وقفه در فیلم‌های تجارتي تلویزیون و درجا‌های دیگر در رسانه‌های جمعی مشاهده می‌کنیم در تناقض است. رویه ناخوشایند خانواده دارای جنبه‌های متعددی است، از جمله ستیزها و دشمنی‌هایی که به جدایی و طلاق می‌انجامد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۴۴۷-۴۴۶).

ناسازگاری زناشویی و به تبع آن طلاق را از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسانی تلقی می‌کنند. نخست یک پدیده روانی است، زیرا بر دوستان و نزدیکان آنان اثر می‌نهد. دوم آن که پدیده‌ای اقتصادی است، چه به گسست خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی می‌انجامد. سوم آن که طلاق پدیده‌ای است موثر بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد، چون تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده از هم می‌پاشد. از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت اثر دارد چون موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت‌های خانواده، تحویل جامعه گردند، که به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم در راه احراز شهروندی یک جامعه‌اند بدین سان می‌توان گفت جامعه‌ای که در آن ناسازگاری زناشویی و طلاق از حدی متعارف تجاوز کند، هرگز از سلامت برخوردار نخواهد بود. ناسازگاری زناشویی و طلاق از آن دسته مسائل اجتماعی است که عمدتاً به نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی مربوط می‌شود هر چند که در اکثر جوامع طلاق روشی پذیرفته شده و نهادینه شده‌ای برای پایان دادن به ازدواج است ولی دارای عوارض و تبعاتی است که از دیر باز آن را یک مسئله اجتماعی مطرح کرده است (عبدالهی، ۱۳۸۰: ۲۲).

سوزان ویتزمن و فرانک اسکارپیتی (۱۹۷۵) نیز معتقدند که در خانواده‌های ازهم گسیخته تاثیر بزهکاری بر روی دختران و پسران متفاوت است و این تاثیر روی دختران بیشتر است (Bynum, 1996: 236).

شناسایی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان ناسازگاری زناشویی برای تدوین و اجرای برنامه‌های اجتماعی در جهت سالم‌سازی محیط و اقدامات ملموس و عینی الزامی به نظر می‌رسد.

مشگین شهر که بیشتر جمعیت آن روستایی است و خود شهر نیز مثل روستاهایش یک شهر سنتی با عقاید و اعتقادات مذهبی و دینی است و خانواده‌ها تا حدودی همدیگر را می‌شناسند و از گمنامی شهرهای بزرگ در آن خبری نیست اما آمار ناسازگاری زناشویی (مراجعیین به دادگاه خانواده) ۹۰۰ درخواست در یک سال نسبت به ازدواج‌های همان سال (۲۴۹۲ مورد) و جمعیت این شهر (۱۵۱۱۵۶ نفر) و در مقایسه با شهرهای دیگر استان اردبیل در سطح بالایی است و می‌طلبد که پژوهش‌های علمی متعددی در حوزه‌های علمی مختلف در مورد عوامل آن انجام شود.

در این پژوهش میزان ناسازگاری زناشویی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشگین شهر در سال ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفته است.

در مبانی نظری تحقیق حاضر با استفاده از نظریه‌های کارکردگرایی، نظریه همسان همسری، نظریه ناهمسان همسری، نظریه شبکه و نظریه مبادله به طرح مساله تحقیق پرداخته و با استفاده از این نظریه‌ها، چارچوب نظری تحقیق طرح گردیده است.

نظریه کارکردگرایی: این نظریه توجه ما را به چگونگی شکل‌گیری رفتارهای فردی به وسیله ساختارها متمرکز می‌کند. خانواده از دیدگاه کارکردگرایی گروهی است که در آن افراد با جنسیت‌ها و سنین متفاوتی به مدت طولانی باهم در ارتباط نزدیک قرار دارند. در خانواده وجود علایق متفاوت سبب بروز تضادهای آشکار و پنهان می‌شود و این تضادها و ویژگی‌ها و کارکردهای مناسب خانوادگی را از بین می‌برد. رفع این تضادها با استفاده از قدرت در مواردی از راه درخواست طلاق امکان‌پذیر می‌گردد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۷۰).

از نظر صاحب‌نظران مکتب کارکردگرایی، خانواده نهادی است که بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که بر عهده دارد. بر اساس این دیدگاه مهم‌ترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی کردن اولیه افراد و آماده کردن آنان برای پذیرش قواعد زندگی اجتماعی است. کارکردگرایان، آسیب‌های اجتماعی و مشکلات خانواده و ازهم گسیختگی آنان را در ارتباط با دیگر نهادهای اجتماعی تبیین می‌کنند و بر این عقیده‌اند که تغییرات در اقتصاد، مذهب، نظام آموزشی و در قوانین و برنامه‌های حکومتی همه می‌توانند خانواده را با آسیب‌هایی رو به رو کنند (بهاری و دیگری، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۶).

نظریه همسان همسری: افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسان‌شان باشد تا ناهمسان‌شان. این نظریه استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. همسانی میان دو فرد، نه تنها آن‌ها را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت آن‌ها را استوار می‌سازد.

به عقیده هیل، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسان‌شان باشد تا ناهمسان‌شان و چنان‌چه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. به عقیده برگس و والین در بررسی‌های مربوط به انتخاب همسر، پنج عامل به عنوان عواملی که اصولاً تعیین‌کننده هستند مطرح است: ۱. همجواری ۲. تصویری از همسر آرمانی (ایده آل) ۳. تصویری از والدین و زناشویی آن ۴. همسان همسری یا گرایش به گزینش کسی که همگون باشد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۳-۴۴).

نظریه ناهمسان همسری: عامل دیگری که در راه بسط طلاق و ناسازگاری تأثیری شگرف به جای می‌گذارد، ناهمسانی دو همسر است، تا آن‌جا که در بین آنان «گفتگوی کلان» پدید می‌آید، عاداتی خاص دارند و حتی جهان‌بینی آنان با یکدیگر متمایز است. اگر هم در آغاز «لعاب عاطفی» این تباين را ببوشاند، احتمالاً به زودی شکاف‌ها رخ می‌نمایند و بیگانگی دو انسان را موجب می‌شوند. به نظر اکرم‌ن، زمانی که همسان همسری جای خود را به ناهمسان همسری می‌دهد همسرگزینی جور یا متناسب صورت نمی‌پذیرد، دو انسان با دو فرهنگ متفاوت با یکدیگر قرار می‌گیرند. چون سازش فکری ندارند عواطف آنان نیز رو به سردی می‌گذارد و روابطی که برپایه تعامل پیوسته شکل یافته بود، جای به روابطی بر پایه تعامل گسسته می‌دهد.

نظریه شبکه: یکی از چهره‌های مهم نظریه شبکه، الیزابت بات، درجه تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای همبسته می‌داند که زوجین بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند. هر چه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندی، دوستان و همسایگان نزدیک‌تر و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی تفکیک شده‌تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است. عکس قضیه نیز مصداق دارد، هر چه شبکه‌ها کم تراکم‌تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه کمتر نشانگر جدایی و تفکیک هستند. بات این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند (سگالن، ۱۳۸۰: ۲۵۴).

از دیگر عواملی که می‌تواند رابطه زن و شوهر را تحت تأثیر قرار دهد، دخالت اقوام و نزدیکان است. در جامعه ما به ظاهر خانواده‌ها جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند در حالی که در واقع رفت و آمد میان آن‌ها به وفور انجام می‌شود و برطبق اندیشه حاکم ناشی از نظام سنتی که بزرگ‌ترها را صاحب حق در دخالت همه امور می‌دانند، در این دید و بازدیدها همواره اظهارنظرها، انتقادها و پیشنهادهای فراوانی به سوی زوج‌های جوان سرازیر می‌شود و زندگی آن‌ها را دچار تلاطم می‌کند. طبق همین باورها زوج‌های جوان در برابر مشکلات دست به دامن واسطه‌گری بزرگ‌ترها می‌شوند. یعنی به جای آن‌که سعی کنند مشکل خود را با تفکر خود یا با مشورت عالمان این علم چون مشاوران حل کنند، بلافاصله به نزد اقوام و بزرگ‌ترها شکایت می‌دهند و از آن‌ها انتظار مدد و یاری می‌جویند که این موجب کشیده شدن افراد زیادی به میان رابطه خصوصی زن و شوهر شده و به این حریم بی‌احترامی می‌شود و حس همبستگی را در میان زوج‌ها از بین می‌برد (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

نظریه مبادله: طبق نظریه مبادله هومنز، در روابط میان افراد هر فردی می‌کوشد سود خود را به حداکثر و هزینه‌هایش را به حداقل برساند در نتیجه تنها زمانی رابطه میان افراد پابرجا می‌ماند که در یک رابطه هزینه و سودی برای افراد در سطح متعالی باشد (ریتزر، ۱۳۸۴: ۴۳۱).

نظریه مبادله اجتماعی، برکنش‌های میان زن و شوهر از نقطه نظر سود و هزینه می‌نگرد. گلز می‌گوید: انسان‌ها تنها زمانی وارد یک رابطه می‌شوند و در آن باقی می‌مانند که سود یا پاداش (پول، عشق، امنیت، تشویق، عزت نفس) در آن رابطه دریافت کنند که بیش از هزینه‌هایش باشد. مطابق با نظریه مبادله اجتماعی وقتی یکی از زوجین سودی را در رابطه زناشویی انتظار دارد دریافت نمی‌کند و به راحتی نیز از آن چشمپوشی نمی‌کند، درخواست طلاق نموده و موجب به هم زدن مبادله زن و شوهری می‌شود.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین میزان ناکامی زوجها در زندگی مشترک و میزان ناسازگاری زناشویی آنان رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان دخالت دیگران در زندگی زوجها و میزان ناسازگاری زناشویی آنان رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان اختلاف طبقاتی زوجها و میزان ناسازگاری زناشویی آنان رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان اختلاف عقاید زوجها و میزان ناسازگاری زناشویی آنان رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان دین‌داری زوجها و میزان ناسازگاری زناشویی آنان رابطه وجود دارد.
۶. بین میزان اختلاف سنی زوجها و میزان ناسازگاری زناشویی آنان رابطه وجود دارد.
۷. میزان ناسازگاری زناشویی زوجها بر حسب سطح درآمد خانواده آن‌ها متفاوت است.
۸. میزان ناسازگاری زناشویی زوجها بر حسب سطح تحصیلات آن‌ها متفاوت است.
۹. میزان ناسازگاری زناشویی زوجها بر حسب وضعیت اعتیاد آن‌ها متفاوت است.
۱۰. میزان ناسازگاری زناشویی زوجها بر حسب نوع شغل آن‌ها متفاوت است.

تعریف متغیرها:

- تعریف مفهومی ناسازگاری زناشویی: ناسازگاری به معنی عدم موافقت، ناهماهنگی، ناموزونی، عدم لیاقت و ناخرسندی است (معین، ۱۳۸۱: ۴۵۸۰). ناسازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس بدبختی و نارضایتی از همدیگر دارند (سین ها و مارکروچک به نقل از پورلطف‌الهی، ۱۳۸۹: ۱۳) و به معنی ناهماهنگی در امور زندگی و ناخرسندی از باهم بودن و عدم توافق در زناشویی، عدم سازش در زندگی زناشویی که نارضایتی از زناشویی و بی‌ثباتی زناشویی نیز اطلاق می‌شود.

تعریف عملیاتی ناسازگاری زناشویی: میزان ناسازگاری زناشویی با عدم درک کردن یکدیگر، عدم مسئولیت، عدم تصمیم‌گیری‌های درست، نارضایتی از وضع اقتصادی خانواده، کشمکش‌های خانوادگی، عدم توافق فکری و اختلاف عقیدتی مشخص شده است. ناسازگاری به صورت یک طیف می‌باشد که در اول طیف سازگاری و طلاق به عنوان یکی از شاخص‌های ناسازگاری در انتهای طیف قرار دارد.

- تعریف مفهومی ناکامی زوجها از زندگی مشترک: عدم تحقق انتظارات، عدم تعادل بین خواسته‌ها می‌باشد. هرکدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی را با انتظارات مشخصی در مورد این که همسرشان چگونه با او رفتار خواهد کرد آغاز می‌نمایند اگر این انتظارات برآورده نشود ناکام و پشیمان خواهند شد (ازکب، ۱۳۶۹: ۲۶۰).

تعریف عملیاتی ناکامی زوجها از زندگی مشترک: ناکامی زوجها با شاخص‌های توجه و علاقه به یکدیگر، احترام والدین، توجه به علاقه و سلیقه، روابط جنسی، توجه به وظایف فرزندداری، توجه به تفریح، اندازه‌گیری شده است.

- تعریف مفهومی دخالت دیگران در زندگی زناشویی: دخالت یعنی عمل یا فرایند وارد شدن یا شرکت داشتن در کاری است (صدری، ۱۳۸۸: ۱۲۳۶). میزان تاثیرگذاری اشخاص مختلف مثل والدین، برادر، خواهر، دوست در زندگی زن و شوهر، به نحوی که در روند ثابت و سالم زندگی زوجین را دچار اختلال و بحران نموده و احتمال اختلاف یا جدایی آنها را افزایش می‌دهد.

تعریف عملیاتی دخالت دیگران در زندگی زناشویی: میزان دخالت اعضای خانواده همسر و خویشاوندان، در زمینه کارهای خصوصی، رفت و آمد خانوادگی و خریدها مشخص شده است.

- تعریف مفهومی اختلاف طبقاتی زوجها: اصطلاح طبقه به تفاوت‌های اجتماعی- اقتصادی در میان گروهی اشاره دارد که باعث ایجاد اختلاف در پیشرفت مادی و قدرت آنها می‌گردد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۷۸۴).

تعریف عملیاتی اختلاف طبقاتی زوجها: اختلاف طبقاتی زوجها برحسب تفاوت زوجها در درآمد و دارایی، سطح تحصیلات و شغل آنها مشخص شده است.

- تعریف مفهومی اختلاف عقاید زوجین: از هم دور شدن عقاید، فرق و اختلاف دائمی داشتن در عقاید (معین، ۱۳۸۱: ۷۶۲).

تعریف عملیاتی اختلاف عقاید زوجها: اختلاف عقاید زوجها در ابعاد رفتاری، اقتصادی و عاطفی- تربیتی، از جمله موارد چگونگی خرج کردن درآمد، و عقیده آنها در مورد تفریح، عقاید آنها در مورد مذهب، شیوه پوشش و تربیت فرزند و رفتن به میهمانی مورد سنجش قرار گرفته است.

- تعریف مفهومی میزان درآمد: درآمد، سود، دخل، بهره که از کسب و تجارت و یا ملک‌داری و یا زراعت به دست آید(معین، ۱۳۸۱: ۱۰۲).
- تعریف عملیاتی میزان درآمد: میزان درآمد خانواده با احتساب درآمد ماهیانه زوج‌ها سنجیده شده است.
- تعریف مفهومی دین‌داری: داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر می‌سازد(هیل فاراب، ۱۹۷۷؛ به نقل از تیمورلوئی، ۱۳۸۹: ۷۱).
- دین‌داری یعنی اعتقاد به باورداشت‌ها (عقاید)، شعائر، مناسک، عبادات و اعمال مذهبی - اخلاقیات از نوع دوستی، نیکی و
- تعریف عملیاتی دین‌داری: تعریف عملیاتی عبارت از نماز خواندن و اعتقاد به روز معاد و شرکت در مراسم‌های مذهبی عمل به احکام دینی و رعایت حلال و حرام معرفی برای اندازه‌گیری دین‌داری بوده است.
- تعریف مفهومی اختلاف سنی: سن یکی از ویژگی‌های اصلی ساخت و ترکیب جمعیت است و آن تعداد سال‌ها و ماه‌ها و روزهایی است که از عمر (روز تولد) یک فرد می‌گذرد(تقوی، ۱۳۸۳: ۴۳).
- یعنی تفاوتی که بین تاریخ تولد زوجین وجود دارد و حاصل این تفاوت اختلاف سنی زوجین است، و به تاریخ شمسی مد نظر است.
- تعریف عملیاتی اختلاف سنی: با مشخص شدن سن زوج‌ها اختلاف آن به دست می‌آید.
- تعریف مفهومی سطح تحصیلات: عبارت است از میزان کسب علم و دانش از طریق آموزش‌های رسمی که منجر به مدرک رسمی و قانونی می‌شود(کوئن، ۱۳۸۲: ۲۰۰).
- تعریف عملیاتی سطح تحصیلات: مقطع تحصیلی زوج‌ها در طیف بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری مشخص شده است.
- تعریف مفهومی اعتیاد: اعتیاد یعنی عادت کردن، خو گرفتن است(معین، ۱۳۸۱: ۱۰۲). و منظور از اعتیاد خو گرفتن و عادت کردن به مواد اعتیادآور است.
- تعریف عملیاتی اعتیاد: منظور از اعتیاد مصرف روزانه مواد اعتیادآور است که باعث عادت فرد شده باشد.
- تعریف مفهومی شغل: شغل عبارت است از هر نوع عمل فکری یا بدنی که مطابق قوانین کشور و عرف جامعه غیرمجاز نباشد برای کسب درآمد نقدی یا غیرنقدی، صورت گیرد و نتیجه آن تولید کالا یا خدمات باشد(سفیری، ۱۳۷۷: ۱۰۱).
- تعریف عملیاتی شغل: منظور از نوع شغل کارمند، بازاری، کارگر، کشاورز، آزاد مد نظر بوده است.

ابزار و روش

روش پژوهش حاضر پیمایشی بوده و از لحاظ زمانی از نوع مقطعی است. از نظر هدف پژوهشی کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه یک مطالعه خرد است. گردآوری داده‌ها با پرسشنامه محقق ساخته انجام گرفته است.

جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشگین شهر در سال ۱۳۹۱ است که درخواست طلاق، مهریه و نفقه داده بودند. تعداد این زوج‌ها در بازه زمانی مذکور، شامل ۹۰۰ زوج بود. با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با خطای ۰/۰۵ و دقت برآورد $d=0/05$ حجم نمونه ۲۸۰ نفر برآورد شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری مبتنی بر زمان از میان زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده در فصل تابستان سال ۹۱ به صورت تصادفی ساده ۲۸۰ نفر انتخاب گردیده و پرسشنامه تحقیق به آنان ارائه شده است.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۱۷ انجام گرفته است. برای تعیین رابطه متغیرهای ملاک و پیش بین از همبستگی r^2 پیرسون، و مقایسه تفاوت میانگین‌ها از آزمون t و آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شده است.

اعتبار سوال‌های مربوط به سازه‌ها و متغیرها از طریق روش تعیین اعتبار صوری با گردآوری نظرات اساتید و صاحب‌نظران جامعه‌شناسی و پایایی وسیله اندازه‌گیری از طریق ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شده است.

یافته‌ها

متوسط میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشگین شهر برابر $3/64 \pm 0/67$ محاسبه گردیده در مجموع می‌توان گفت که میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشگین شهر در حد بالاتر از متوسط است.

جدول شماره (۱): توزیع پراکندگی میزان ناسازگاری زناشویی زوج‌ها

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب تغییرات	حداقل	حداکثر	انحراف چارک‌ها
ناسازگاری زناشویی	۲۸۰	۳/۸۱	۰/۵۷	۴	۱/۸۹	۵	$\frac{1}{4}$ $\frac{1}{2}$ $\frac{3}{4}$ $\frac{1}{4}$ $\frac{1}{2}$ $\frac{3}{4}$
							۴ ۳/۶۱ ۳/۳۳

- بین میزان ناکامی زوجها از زندگی مشترک با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین میزان ناکامی زوجها از زندگی مشترک با میزان ناسازگاری زناشویی در نمونه آماری ۰/۴۴۵ است و سطح معنی‌داری آزمون برابر ۰/۰۰۰ است که با اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرض صفر یعنی عدم وجود همبستگی را رد کرد. یعنی بین میزان ناکامی زوجها از زندگی مشترک با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۲): نتایج آزمون همبستگی پیرسون میزان ناکامی زوجها از زندگی مشترک با میزان ناسازگاری زناشویی

متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
ناکامی زوجها و ناسازگاری زناشویی	۲۸۰	۰/۴۴۵	۰/۰۰۰

- بین میزان دخالت دیگران در زندگی زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین میزان دخالت دیگران در زندگی زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی در نمونه آماری ۰/۸۸۶ است و سطح معنی‌داری آزمون برابر ۰/۰۰۰ است. یعنی بین میزان دخالت دیگران در زندگی زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون همبستگی پیرسون میزان دخالت دیگران در زندگی زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی

متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
دخالت دیگران و ناسازگاری زناشویی	۲۸۰	۰/۸۸۶	۰/۰۰۰

- بین میزان اختلاف طبقاتی زوجها با یکدیگر با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین میزان اختلاف طبقاتی زوجها با یکدیگر با میزان ناسازگاری زناشویی در نمونه آماری ۰/۲۷۵ است و سطح معنی‌داری آزمون برابر ۰/۰۰۰ است. یعنی بین میزان اختلاف طبقاتی زوجها با یکدیگر با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه مثبت و ضعیف وجود دارد.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون همبستگی پیرسون میزان اختلاف طبقاتی زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی

متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
اختلاف طبقاتی و ناسازگاری زناشویی	۲۸۰	۰/۲۷۵	۰/۰۰۰

- بین میزان اختلاف عقاید زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین میزان اختلاف عقاید زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی در نمونه آماری ۰/۲۷۷ است و سطح معنی‌داری آزمون برابر ۰/۰۰۰ است. یعنی بین میزان اختلاف عقاید زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون همبستگی پیرسون میزان اختلاف عقاید زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی

متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
اختلاف عقاید و ناسازگاری زناشویی	۲۸۰	۰/۲۷۷	۰/۰۰۰

- بین میزان دین‌داری زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین میزان دین‌داری زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی در نمونه آماری ۰/۷۸۷- است و سطح معنی‌داری آزمون برابر ۰/۰۰۰ است. یعنی بین میزان دین‌داری زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه معکوس و قوی وجود دارد.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون همبستگی پیرسون میزان دین‌داری زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی

متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
دینداری زوجها و ناسازگاری زناشویی	۲۸۰	-۰/۷۸۷	۰/۰۰۰

- بین میزان اختلاف سنی زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی بین میزان اختلاف سنی زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی در نمونه آماری ۰/۳۴۰ می‌باشد و سطح معنی‌داری آزمون برابر ۰/۰۰۰ است. یعنی بین میزان اختلاف سنی زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۷): نتایج آزمون همبستگی پیرسون میزان اختلاف سنی زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی

متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
اختلاف سنی و ناسازگاری زناشویی	۲۸۰	۰/۳۴۰	۰/۰۰۰

- میزان ناسازگاری زناشویی بر حسب سطح درآمد زوجها متفاوت است. متوسط میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های با درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان برابر $۰/۶۴ \pm ۳/۶۳$ ، بین ۵۰۰ هزار تومان تا ۱۰۰۰۰۰۰ برابر $۰/۶۶ \pm ۳/۶۴$ ، بین ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰ تومان برابر $۰/۷۸ \pm ۳/۶۷$ ، بین ۱۵۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰ تومان برابر $۰/۸۵ \pm ۳/۷۳$ و بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ تومان برابر $۰/۴۰ \pm ۳/۴۹$ بوده است که طبق آزمون تحلیل واریانس یکطرفه مقدار $F=۰/۱۶۲$ با سطح معنی‌داری

$P=0/957$ محاسبه گردید که با توجه به سطح معنی‌داری، تفاوت میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشکین شهر معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول شماره (۸): میزان ناسازگاری زناشویی بر اساس میزان درآمد زوجها

سطح معنی‌داری	مقدار F	حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	میزان درآمد
۰/۹۵۷	۰/۱۶۲	۵	۲	۰/۶۴۹۹	۳/۶۳	۷۹	زیر ۵۰۰ هزار تومان
		۵	۱	۰/۶۶۸۷	۳/۶۴	۱۵۳	بین ۵۰۰ هزار تومان-۱۰۰۰۰۰۰
		۵	۱	۰/۷۸۰۲	۳/۶۷	۳۰	بین ۱-۱۵۰۰۰۰۰۰
		۵	۲	۰/۸۵۹۶	۳/۷۳	۱۱	بین ۱۵-۲۰۰۰۰۰۰
		۳۸۹	۲/۷۸	۰/۴۰۵۰	۳/۴۹	۷	بیش از ۲۰۰۰۰۰۰
		۵	۱	۰/۶۷۵۳	۳/۶۴	۲۸۰	کل

- میزان ناسازگاری زناشویی بر حسب سطح تحصیلات زوجها متفاوت است

متوسط میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های بی سواد برابر $3/71 \pm 0/68$ ، ابتدایی برابر $3/67 \pm 0/59$ ، راهنمایی برابر $3/64 \pm 0/66$ ، دیپلم برابر $3/62 \pm 0/73$ ، فوق دیپلم برابر $3/67 \pm 0/59$ ، لیسانس برابر $3/68 \pm 0/72$ ، فوق لیسانس و بالاتر برابر $3/53 \pm 0/76$ بوده است. که طبق آزمون تحلیل واریانس یکطرفه مقدار $F=0/154$ با سطح معنی‌داری $P=0/988$ محاسبه گردید، میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشکین شهر بر اساس سطح تحصیلات آنان معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول شماره (۹): میزان ناسازگاری زناشویی بر اساس مدرک تحصیلی زوجها

سطح معنی‌داری	مقدار F	حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	سطح تحصیلات
		۵	۲	۰/۶۸۸۳	۳/۷۱	۱۷	بی‌سواد
		۵	۲	۰/۶۵۲۴	۳/۵۸	۲۴	ابتدایی
۰/۹۸۸	۰/۱۵۴	۵	۲	۰/۶۶۲۷	۳/۶۴	۵۳	راهنمایی
		۵	۱	۰/۷۳۹۵	۳/۶۲	۶	دیپلم
		۵	۲	۰/۵۹۸۹	۳/۶۷	۶۹	فوق دیپلم
		۵	۱	۰/۷۲۹۷	۳/۶۸	۴۰	لیسانس
		۵	۲	۰/۷۶۶۲	۳/۵۳	۱۱	فوق لیسانس و بالاتر
		۵	۱	۰/۶۷۵۳	۳/۶۴	۲۸۰	کل

- میزان ناسازگاری زوجها بر حسب وضعیت اعتیاد آنها متفاوت است.

برای آزمون این فرضیه از t-test استفاده شده است متوسط میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌هایی که اعتیاد داشتند برابر $۳/۹۲ \pm ۰/۴۸۷۸$ و زوج‌هایی که اعتیاد نداشتند برابر $۳/۳۵ \pm ۰/۶۶۱۲$ به دست آمده است که مقدار t برابر $t=۵/۷۰$ با سطح معنی‌داری $P=۰/۰۴۷$ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌هایی که اعتیاد داشتند بیشتر از زوج‌هایی بود که اعتیاد نداشتند.

جدول شماره (۱۰): مقایسه میزان ناسازگاری زناشویی بر اساس وضعیت اعتیاد زوجها

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۵۰	۳/۹۲	۰/۴۸۷۸	۵/۷۰	۲۷۸	۰/۰۴۷
۲۳۰	۳/۳۵	۰/۶۶۱۲			

- میزان ناسازگاری زوجین بر حسب نوع شغل آنها متفاوت است.

متوسط میزان ناسازگاری زناشویی در بین کارمندان برابر $۳/۶۶ \pm ۰/۶۵۶۲$ ، بازاری برابر $۳/۶۰ \pm ۰/۷۰۷۷$ ، کارگر برابر $۳/۶۳ \pm ۰/۷۶۴۴$ ، کشاورز برابر $۳/۷۲ \pm ۰/۴۷۵۴$ ، خانه‌دار برابر $۳/۶۴ \pm ۰/۷۱۸۱$ و سایر برابر $۳/۶۰ \pm ۰/۶۷۹۵$ بوده است که طبق آزمون واریانس یکطرفه مقدار $F=۰/۱۷۷$ با سطح معنی‌داری $P=۰/۹۷۱$ محاسبه گردید، یعنی میزان ناسازگاری زناشویی بر حسب نوع شغل زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشکین‌شهر متفاوت نبود.

جدول شماره (۱۱): میزان ناسازگاری زناشویی بر اساس نوع شغل زوجها

نوع شغل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	مقدار F	سطح معنی‌داری
کارمند	۵۳	۳/۶۶۲۵	۰/۶۵۶۲	۲	۵		
بازاری	۵۵	۳/۶۰۰۰	۰/۷۰۷۷	۲	۵		
کارگر	۴۲	۳/۶۳۴۹	۰/۷۶۴۴	۱	۵		
کشاورز	۴۰	۳/۷۲۵۰	۰/۴۷۵۴	۲/۸۹	۵	۰/۱۷۷	۰/۹۷۱
خانه دار	۷۵	۳/۶۴۱۵	۰/۷۱۸۱	۱	۵		
سایر	۱۵	۳/۶۰۷۴	۰/۶۷۹۵	۲	۵		
کل	۲۸۰	۳/۶۴۶۴	۰/۶۷۵۳	۱	۵		

بحث و نتایج

ناسازگاری زناشویی معلول همه تنگناهای زندگی است و عوامل اجتماعی و روانی در آن دخیل است. نتایج تحلیل‌ها نشان داد بین ناکامی زوجها از زندگی مشترک با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نظریه مبادله اجتماعی عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین نابرابری در مبادله (زناشویی) را به همراه دارد و در نهایت منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌گردد. این یافته با نتایج تحقیق مهدیخانی و سروجهانی همسو می‌باشد.

در رابطه با میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین و میزان ناسازگاری زناشویی نتایج آزمون پیرسون نشان داد بین میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین و میزان ناسازگاری زناشویی رابطه مثبت و قوی برقرار است. مطابق با نظریه شبکه اجتماعی در نتیجه عدم توانایی رویارویی زوجها با مشکلات روزمره و بحران‌های زندگی و رجوع آن‌ها به واسطه‌گری بزرگ‌ترها و دخالت آن‌ها باعث تشدید ناسازگاری زوجها می‌شود. در تحقیق حمید نشاط دوست تحت عنوان عوامل موثر بر بروز طلاق، مهم‌ترین علل تقاضای طلاق دخالت خانواده‌ها بود که نتایج آن با یافته‌های این پژوهش همسو است.

در رابطه با اختلاف طبقاتی زوجها نتایج آزمون پیرسون نشان داد بین میزان اختلاف طبقاتی زوجها با یکدیگر با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه مثبت ولی ضعیف برقرار است. بر اساس نظریه ناهمسان همسری هر قدر فاصله اجتماعی، طبقاتی، عقیدتی، جغرافیایی، فرهنگی و شغلی و حتی زبانی و دینی زوجین بیشتر باشد بیشتر در معرض تهدید ناسازگاری قرار می‌گیرند. در تحقیقی که هایدومن و همکارانش انجام داده اند با عنوان وابستگی اقتصادی و گسست زناشویی، سه عامل دستمزد، تحصیلات و پایگاه شغلی و تفاوت زوجین در داشتن این‌ها را در گسست زناشویی موثر می‌دانند، که با یافته‌های این پژوهش هماهنگ است.

در رابطه با اختلاف عقاید زوجها نتایج آزمون پیرسون نشان داد بین میزان اختلاف عقاید و ناسازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در تحقیقی که رفیعی اصل با عنوان عوامل اجتماعی - فردی مرتبط با میزان سازگاری زناشویی انجام داده است در این تحقیق بین همسانی عقیدتی با سازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری وجود داشته است که با یافته‌های این پژوهش هماهنگ است.

در رابطه با دین‌داری زوجها نتایج آزمون پیرسون نشان داد بین میزان دین‌داری زوجها با میزان ناسازگاری رابطه معکوس معنی‌داری وجود دارد. در تحقیقی که در سال ۱۹۱۸ توسط کینینگ و کیل (Keening and Kale) و ماتون (Matron) و پالور و پندلتون (Parlor and Pendleton) و هم‌چنین تحقیق دیگری در سال ۱۹۹۱ انجام شد و نتیجه این بود که مذهب دارای یک ارتباط مثبت با احساس رضایت و سازگاری در زندگی است. نتایج تحقیق مذکور در راستای یافته‌های پژوهش حاضر است.

در رابطه با اختلاف سنی زوجها نتایج آزمون پیرسون نشان داد بین میزان اختلاف سنی زوجها با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد. آلن ژیرار می‌نویسد بیشتر اوقات افرادی باهم

پیوند زناشویی می‌بندند که از لحاظ سنی به هم نزدیک باشند. فاصله وسیع سنی که شکاف نسلی هم تعبیر می‌شود به استواری و پایداری کانون خانوادگی کمکی نخواهد کرد. ملتفت (۱۳۸۱) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر به گرایش به طلاق در شهرستان داراب انجام داد. نتایج این تحقیق نشان داد که، اختلاف سنی زوجین، با میزان گرایش به طلاق رابطه معنادار مستقیمی دارند.

در رابطه با تفاوت میزان ناسازگاری زناشویی بر حسب میزان درآمد زوجها نتایج آزمون آنالیز واریانس یکطرفه نشان داد میزان ناسازگاری زناشویی بر حسب درآمد در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده متفاوت نبود. رجب‌علیزاده‌مجرد (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان مطالعه جامعه‌شناختی میزان طلاق عاطفی به این نتیجه رسیده که میزان طلاق عاطفی بر حسب میزان درآمد خانواده متفاوت نبوده است که با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است.

در رابطه با میزان ناسازگاری زناشویی بر حسب سطح تحصیلات آن‌ها نتایج آزمون آنالیز واریانس یکطرفه نشان داد تفاوت میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشکین‌شهر بر اساس سطح تحصیلات آنان معنی‌دار نبود. رفیعی‌اصل (۱۳۸۹)، در تحقیقی تحت عنوان عوامل اجتماعی- فردی مرتبط با میزان سازگاری زناشویی انجام داده در این پژوهش بین میزان سازگاری زناشویی بر حسب سطح تحصیلات زوجها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد که با یافته‌های پژوهش حاضر هماهنگ است.

در رابطه با تفاوت میزان ناسازگاری زناشویی بر حسب وضعیت اعتیاد زوجها نتایج آزمون t نشان داد که میزان ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌هایی که اعتیاد داشتند بیشتر از زوج‌هایی بود که اعتیاد نداشتند. از دیدگاه کارکردگرایی مصرف مواد اعتیادآور واکنشی است به نبود همبستگی ادراک شده بین فرد و جامعه و نیز ضعف وفاق درباره آن‌چه که قابل قبول است. اعتیاد توسط داوطلبان ازدواج یکی از عوامل مهم شکست‌های زندگی است. حسین مددی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود تحت عنوان بررسی علل تقاضای طلاق زوجین دیدگاه اقتصادی- اجتماعی در شهرستان اراک در ارتباط با زوجینی که به دادگاه خانواده مراجعه می‌نمایند و درخواست طلاق ارائه می‌دهند که نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد، یکی از عمده‌ترین دلایل تقاضای طلاق در این تحقیق، اعتیاد یکی از زوجین بوده است که با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است.

در رابطه با تفاوت میزان ناسازگاری زناشویی بر حسب نوع شغل زوجها نتایج آزمون آنالیز واریانس یکطرفه نشان داد میزان ناسازگاری زناشویی بر حسب نوع شغل زوجها مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشکین‌شهر متفاوت نبود. حکمت شرمین (۱۳۹۰)، تحقیقی که در مورد عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر شدت درخواست طلاق انجام داده است در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که شدت درخواست طلاق بر حسب وضعیت اشتغال متفاوت نیست که با یافته‌های پژوهش حاضر هماهنگ است.

پیشنهادها

- زن و شوهر قبل از انتخاب همدیگر و در حین زندگی به نیازها و عواطف یکدیگر توجه داشته باشند و از آن اطلاع داشته باشند.
- خانواده پدری دختر و پسر و خویشاوندان آنها از دخالت در زندگی زوجها پرهیز کنند.
- قبل از ازدواج، دخترها و پسرها با واسطه خانواده فرصت شناخت عقاید همدیگر را داشته باشند و از ازدواج مصلحتی و بدون شناخت یکدیگر پرهیز کنند.
- ازدواج دختر و پسری که فاصله طبقاتی ندارند و یا فاصله طبقاتی آنها کمتر است ازدواج خوبی است.
- زوجین موقع انتخاب همسر باید توجه داشته باشند که فردی را که برای همسری انتخاب می‌کنند از لحاظ سنی با هم فاصله زیاد نداشته باشند.
- زوجین قبل از انتخاب یکدیگر از اعتقادات مذهبی و میزان دین‌داری یکدیگر آگاهی داشته باشند که سطح اعتقادات دینی آنها اختلاف زیادی با هم نداشته باشد.

منابع

- از کمپ، ا. (۱۳۶۹). *روانشناسی اجتماعی کاربردی*. ترجمه: فرهاد ماهر. انتشارات آستان قدس رضوی.
- اعزاز، ش. (۱۳۸۰). *تحلیل ساختاری جنسیت، نگرش بر تحلیل جنسی در ایران*. گردآوری و تنظیم: نسرين جزئی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بهراری، س؛ و دیگری. (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی خانواده*. تهران: ندای آریانا. چاپ اول.
- پورلطف‌اللهی، ن. (۱۳۸۹). *بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی با سازگاری زناشویی زنان شاغل تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- تقوی، ن. (۱۳۸۳). *مبانی جمعیت‌شناسی*. تبریز: انتشارات دانیال.
- تیمورلوئی، ط. (۱۳۸۹). *بررسی عوامل موثر بر رضایت زناشویی در بین زنان شهر آذرشهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- حسینی، ح. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق*. تهران: نشر سلمان.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش. چاپ هشتم.
- سگالن، م. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه: حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز. چاپ دوم.
- سفیزی، خ. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی اشتغال زنان*. تهران: موسسه فرهنگی انتشارات تیبان.
- صدری، غ. (۱۳۸۸). *فرهنگ‌نامه فارسی واژگان و اعلام فرهنگ معاصر*. جلد دوم، تدوین واحد پژوهش.
- عبداللهی، م. (۱۳۸۶). *انجمن جامعه‌شناسی ایران، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران*. تهران: نشر آگه. چاپ دوم.
- کوئن، ب. (۱۳۸۲). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر توتیا. چاپ چهاردهم.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی*. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. چاپ دهم.
- معین، م. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات کبیر.
- Bynum, Jean Thompson. WE. (1996). *Juvenile Delinquency*. (3ed) Boston: Allen and Bacon.